

دوفصلنامه «پژوهش‌های نوین در آموزه‌های قرآن و سنت»
سال دوم، شماره چهارم - پانیز و زمستان ۱۳۹۸؛ صص ۴۰-۲۷

معیارهای تفسیر علمی قرآن از دیدگاه آیه‌الله مکارم شیرازی

راضیه سادات سید خراسانی^۱

(تاریخ دریافت: ۹۸/۱۰/۱۵؛ تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۱/۱۹)

چکیده

تفسیر علمی یکی از گرایش‌های تفسیری، در جهت کشف و تبیین اعجاز علمی قرآن کریم است. مفسران در میزان کارایی این تفسیر به سه گروه تقسیم می‌شوند: برخی در بهره‌مندی از آن، راه افراط را پیموده‌اند، برخی دیگر، تفریط‌گونه، قرآن را کتاب هدایتی صرف می‌دانند و از ورود در تفسیر علمی آیات پرهیز دارند. عده‌ای دیگر از جمله آیه‌الله مکارم شیرازی، راه میانه را برگزیده‌اند. از نظر ایشان، قرآن کتاب هدایت است و بیان برخی اسرار نیز، در راستای هدف تربیتی آن بوده است. با این وجود می‌توان از آیات طبیعی، حقایقی را کشف کرد. این مقاله با مطالعه‌ای توصیفی-تحلیلی در آثار ایشان، به دنبال تبیین دیدگاه وی در خصوص گستره تفسیر علمی و تعیین معیارهای مخصوص آن است. براین اساس، تفسیر علمی با تکیه بر بهره‌مندی از علوم طبیعی قطعی و عدم تکلف در تفسیر آیه و پرهیز از تحمیل نظریات متغیر بر قرآن، مورد تأیید ایشان است.

کلید واژه: تفسیر، تفسیر علمی، اعجاز علمی، آیه‌الله مکارم.

مقدمه

قرآن معجزه جاوید پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از جنبه‌های مختلف معجزه شمرده شده و مورد شگفتی بشریت در طول اعصار گوناگون واقع شده است. یکی از جنبه‌های اعجاز قرآن، اعجاز علمی است. یعنی حقایق در قرآن مجید مطرح شده که علم بشر، قرن‌ها پس از آن بدان دست یافت. در پی آن استفاده و استخدام علوم طبیعی برای بیان و تفسیر آیات اعجاز علمی ضرورت یافت که از آن به تفسیر علمی تعبیر می‌شود.

تفسیر علمی یکی از گرایش‌های تفسیری است که از همان ابتدای نگارش تفسیر، توسط مفسران مورد استفاده اجمالی قرار گرفته است. ذهبی در التفسیر و المفسرون ریشه تفسیر علمی را در نهضت علمی عباسیان نشان می‌دهد. به این صورت که این جریان در آغاز کوششی برای هماهنگ‌سازی قرآن و دانش‌های زمان بود، پس از آن به مرور زمان گسترش یافت تا آنجا که قرآن به عنوان منبعی برای علوم شناسانده شد. (ذهبی، محمدحسین، ج ۲، ص ۴۸۴) به رغم وجود ریشه کهن تفسیر علمی، ولی اقبال مفسران معاصر به این روش، بیش از مفسران قرون گذشته بوده است. به گونه‌ای که این توجه، به نگارش تألیفات مختلف مستقل و غیرمستقل با اغراض گوناگون منجر شد. علل اوج‌گیری تفسیر علمی در یک قرن اخیر را می‌توان چنین نام برد:

۱- حس دفاع از حقایق دینی و نفی تعارض دین و علم.

۲- اثبات اعجاز قرآن با استخدام علوم تجربی توسط تعدادی از مفسران و علمای دین و یا دانشمندان علوم تجربی با حس دینی قوی.

۳- سعی در جذب جوانان مسلمان و تشکیل گروه‌ها و تغییر وضع اجتماعی، به نحو دلخواه. این توضیح که، رشد افکار التقاطی و انحرافی بعضی از روشنفکران در جوامع اسلامی، عده‌ای به تقلید کورکورانه از غربی‌ها پرداختند و سعی کردند آیات قرآن را با علوم تجربی، تطبیق دهند و در مواردی که ظاهر آیات با علوم تجربی ناسازگاری داشت به تأویل آیات یا تفسیر به رأی آنها پرداختند. (راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ص ۲۸-۳۱).

علاوه بر مواردی که ذکر شد می‌توان توجه قرآن به علم و بیان مثال‌های مختلف علمی و بهره‌مندی کامل از کتاب جامع قرآن و عدم غفلت از مطالب علمی آن را نیز بدان افزود.

یکی از مفسران معاصر که به تفسیر علمی اهتمام ویژه داشته‌اند صاحب تفسیر نمونه است. آیه‌الله مکارم با در نظر گرفتن معیارهای عام تفسیر و خاص تفسیر علمی، آیات مختلفی را با تفسیر علمی تبیین کرده‌است.

شایان ذکر است در مورد اعجاز علمی و تفسیر علمی قرآن از منظر اندیشمندان مختلف، پژوهش‌های پراکنده‌ای، صورت گرفته است. ولی در هیچ یک به طور مستقل، به مبانی تفسیر علمی آیه‌الله مکارم، مفسر معاصر شیعه پرداخته نشده‌است. از این رو، پژوهش پیش‌رو بر آن شد تا با بررسی نظرات ایشان در مجموعه آثار ایشان و به خصوص با مطالعه تفسیر نمونه و واکاوی آیات اعجاز علمی به صورت مستقل، به تبیین مبانی ایشان در تفسیر علمی آیات قرآن مجید بپردازد.

۱- مفهوم شناسی

تفسیر مصدر باب تفعیل، از ماده «فسر» است. از نظر برخی، فسر و تفسیر هر دو به معنی، «بیان و تفصیل کتاب» است. (فراهیدی، ج ۷، ص ۲۴۷) از نظر برخی دیگر، «تفسیر» مبالغه فسر (راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ص ۶۳۶) به معنی، «کشف معنی لفظ و آشکار کردن آن» (طریحی، ج ۳، ص ۴۳۷) و «کشف مراد از لفظ مشکل» (ابن منظور، ج ۵، ص ۵۵) است.

«علمی» منسوب به «علم» است. علم نقیض جهل، به معنی «شناختن و مطلع شدن» (ابن منظور، ج ۱۲، ص ۴۱۸) و «ادراک حقیقت چیزی» است. (راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ص ۵۸۰).

«علم» معانی اصطلاحی مختلفی دارد که مهم‌ترین آنها بدین شرح است:

۱. مجموعه قضایای کلی حقیقی (غیر قراردادی) که دارای محور خاصی باشد.

این اصطلاح همه علوم نظری و علمی و از جمله الهیات و مابعدالطبیعه را در برمی‌گیرد، ولی شامل قضایای شخصی و اعتبار نمی‌شود.

۲. مجموعه قضایای حقیقی که از راه تجربه حسی قابل اثبات باشد. (مصباح، محمدتقی، آموزش فلسفه، ص ۶۳-۶۴) این، اصطلاحی است که پوزیتیویست‌ها به کار می‌برند و براساس آن علوم و معارف غیر تجربی را علم نمی‌دانند. مراد ما در تفسیر علمی، تعریف دوم از علم است.

۲- مراد از تفسیر علمی

یکی از ابعاد اعجاز قرآن، اعجاز علمی آن است که در هر زمان، با کشفیات تازه علمی (اگر به‌طور قطعی ثابت شود) حقایق تازه‌ای از آن، برای مردم روشن می‌شود. این جنبه اعجاز قرآن موجب شده‌است، تا علم به عنوان وسیله‌ای، در تفسیر قرآن مورد استفاده قرار گیرد و تفسیر برآمده از آن با عنوان «تفسیر علمی» خوانده شود.

بنابراین بیش‌تر مفسران به صورت گسترده یا محدود از تفسیر علمی، برای آیات مختلف بهره‌جسته‌اند. میزان استفاده علمی از آیات قرآن، با توجه به مبانی مفسر در تفسیر علمی متفاوت است. با توجه به اختلاف این مبنا، برای تفسیر علمی تعاریف متفاوتی بیان شده است. به عنوان مثال، ذهبی در التفسیر و المفسرون، آورده‌است:

«از تفسیر علمی تفسیری را اراده می‌کنیم که در عبارات‌های قرآن اصطلاحات علمی را حاکم می‌کند و در استخراج علوم مختلف و آرای فلسفی از عبارات قرآن کوشش می‌نماید». (ذهبی، محمدحسین، ج ۲، ص ۴۷۴)

آیه‌الله مکارم با پذیرش نوع صحیح تفسیر علمی، در توضیح تفسیر علمی آورده‌اند:

«گاهی هم مشاهده می‌شود که علم به میدان آمده و قرآن را تفسیر می‌کند، تأکید می‌کنم وقتی می‌گوییم علم، منظورم کشفیات ثابت شده و قطعی علمی است، نه فرضیات که اشکال‌کنند فرضیه‌ها با گذشت زمان، دستخوش تغییر و دگرگونی می‌شود و نمی‌توان قرآن ثابت و تغییرناپذیر

را، بر فرضیات دگرگون شونده تطبیق داد. برای مثال: زوجیت نر و ماده، در عالم گیاهان که بعد از قرن هفده میلادی کشف شد و یا حرکت زمین به دور خود، دیگر یک فرضیه نیست، تا با گذشت زمان دگرگون شود». (رضایی اصفهانی، محمدعلی درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، ص ۳۳۶-۳۳۷).

۳- دیدگاه‌های مختلف در مورد تفسیر علمی

سه دیدگاه در مورد تفسیر علمی مطرح است:

۱- عده‌ای از مفسران به گونه افراطی از تفسیر علمی طرفداری می‌کنند. آنان معتقدند؛ همه علوم بشری در قرآن وجود دارد و باید آیات بر علوم مختلف منطبق شود. طرفداران این دیدگاه آیه تبیان (نحل/۸۹) را به عنوان یکی از ادله خود مطرح کرده‌اند. ابوحامد غزالی، طنطاوی و سیوطی از این افراد بشمار می‌روند. پیروان این دیدگاه، تفسیر علمی را به دو معنا در نظر می‌گیرند.

الف- استخراج علوم از قرآن؛ بعضی از مفسران سعی داشتند تمام علوم را، از آیات قرآن به دست آورند. از این رو علمی مانند: ریاضی، تاریخ، ستاره‌شناسی و طب را به آیات قرآن نسبت می‌دادند و یا با تکلف، از آیات قرآن استخراج می‌کردند که در نتیجه به تأویل غیرمعتبر، منتهی می‌شد.

ب- تحمیل و تطبیق نظریه‌های علمی بر قرآن؛ برخی سعی کرده‌اند، کشفیات و تئوری‌های علمی را، با آیات قرآن تطبیق دهند و بدین ترتیب، تفسیری علمی‌نما ارائه نمایند. این افراد، بر معیارهای صحیح تفسیر، پایبند نبوده و نظریه علمی موافق با ظاهر آیه را به طور قطع به قرآن نسبت می‌دهند تا آنجا که اگر آیه‌ای نیافتند، به دنبال تأویل و تفسیر به رأی آیات هستند و یک یا چند آیه را بر آن قانون علمی، تطبیق می‌کنند یا قانون را بر آن آیه تحمیل می‌نمایند. (رضایی اصفهانی، محمدعلی، درسنامه روش‌ها و گرایش‌های تفسیری قرآن، ص ۲۹۴؛ و درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، ص ۱۰۵-۱۰۷).

۲- برخی دیگر مخالف تفسیر علمی هستند و راه تفریط را درپیش گرفته‌اند. آنان داخل نمودن مسائل علوم زیستی و تجربی را در میدان تفسیر قرآن- به این دلیل که قرآن نباید در معرض

تغییرات ناشی از نتایج آن علوم قرار گیرد- مطلقاً مردود می‌شمارند. (قرضاوی، یوسف و سلیمی، عبدالعزیز، قرآن منشور زندگی، ص ۶۱۷) این گروه، قرآن را کتاب هدایت می‌دانند و آیات آن را منحصر در بیان اخلاق واحکام و اصول اعتقادات دانسته‌اند. ابواسحاق شاطبی و بنت‌الشاطی در زمره این افرادند.

بی‌تردید هدف خداوند از نزول قرآن مجید، هدایت بشریت بوده‌است ولی انحصار آن به اصول و فروع دین و عدم التفات به علوم طبیعی و خلقت موجودات و... ادعای بی‌دلیل است. براین اساس، این دیدگاه نیز صحیح نیست. ۳- عده‌ای دیگر، راه اعتدال را در پیش گرفته‌اند. این مفسران علاوه بر جنبه هدایتگری قرآن، از آیات بیانگر حقایق و امور طبیعی غفلت نکرده و از آنان به اسرار ژرفی پی برده‌اند تا حدی که برخی آیات را معجزه علمی می‌دانند. براساس این دیدگاه، استخدام علوم در فهم و تبیین اشارات علمی آیات قرآن، یعنی استفاده از علومى مانند: فلسفه، منطق، علوم تجربی و کامپیوتر، برای روشن کردن مطالب آیات قرآن و اثبات الهی بودن آنکه در نهایت، منجر به اثبات اعجاز قرآن می‌گردد. این دیدگاه صحیح و معتبر است. (قرضاوی، یوسف و سلیمی، عبدالعزیز، قرآن منشور زندگی، ص ۶۱۷) بنابراین تفسیر علمی معتبر، تفسیری است که در آن، به داده‌ها و یافته‌های علوم تجربی (علومى که روش صحت آن آزمون و تجربه است) بسیار توجه شده و آیات با توجه به آن یافته‌ها، تفسیر و یا با آنها تطبیق شده‌است. (بابایی، علی‌اکبر، مکاتب تفسیری، ج ۱، ص ۲۶) به طور خلاصه تفسیر علمی یعنی، توضیح و تبیین آیات، به وسیله علوم تجربی.

آیه‌الله معرفت می‌گویند: قرآن کتاب دین و شریعت صرف نیست و همچنین کتاب علمی بالذات نیز نیست و در حاشیه کلام الهی اشارات گذرا به برخی از اسرار وجود و به دسته‌ای از اسباب مکنون حیات در خفای تام وجود دارد که علمای راسخ می‌فهمند. زیرا این مطالب اولاً و بالذات مقصود این مطالب نبوده‌است. بلکه عرضی آورده شده‌است. (معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ج ۶، ص ۶)

از نظر مفسر بزرگ معاصر شیعی، صاحب تفسیر نمونه، قرآن کتاب هدایت است یعنی هدف اصلی نزول آن، تربیت بشریت به سوی کمال است. چنانچه در این رهگذر اگر آیه‌ای مرتبط با اسرار و حقایق جهان خلقت باشد، به طور قطع برای یک هدف تربیتی و اخلاقی، یا تعلیم درس توحید و خداشناسی آمده‌است، نه به هدف بیان علوم طبیعی. ولی از آیات طبیعی برای کشف و تبیین حقایق علمی با عنایت به اصول و ضوابط تفسیر علمی، استفاده کرده‌اند.

ایشان در کتاب قرآن و آخرین پیامبر، به تفصیل دیدگاه خود را، تشریح می‌کنند. در آن کتاب چنین آمده‌است:

«شکی نیست که قرآن را نمی‌توان به عنوان یک کتاب علوم طبیعی معرفی کرد، و اصولاً چنین انتظاری را نباید داشته باشیم که تمام اسرار علوم طبیعی، فرمول‌های ریاضی، جزئیات علم تشریح، و مثلاً نام و نشانی تمام داروها، بیماری‌ها و راه پیشگیری یا درمان آن‌ها با همه خصوصیات و جزئیات آن‌ها در قرآن باشد.

چه اینکه قرآن برای این هدف نازل نشده، قرآن یک دائرةالمعارف نیست، بلکه یک کتاب تربیت و هدایت است، هدایت نوع بشر به سوی یک زندگی به تمام معنی انسانی و سعادت‌مندانه، با همه ویژگی‌هایش. و این هدف را تأمین نموده‌است.» (مکارم شیرازی، ناصر، قرآن و آخرین پیامبر، ص ۱۴۸)

ایشان در ادامه به مستمسک طرفداران دیدگاه افراطی نیز اشاره کرده و تفسیر صحیح آیه ۸۹ سوره نحل را این چنین تبیین می‌کنند:

« اگر می‌بینیم که قرآن خود را چنین معرفی می‌کند: «و نزلنا علیک الكتاب تبیاناً لکل شیء»؛ «این کتاب را بر تو نازل کردیم در حالی که بیان کننده همه چیز است» یا اینکه منظور یک امر نسبی است یعنی تمام اموری که در این هدف دخالت دارد، و آنچه به تأمین یک زندگی سعادت-بخش انسانی و تربیت نوع انسان کمک می‌کند در این کتاب آسمانی هست، و یا اینکه کلیات و اصول علوم و دانش‌ها و آنچه انگیزه انسان بر کشف و جستجوی اسرار طبیعت و قوانین آفرینش

می‌باشد در آن وجود دارد، نه جزئیات آنها. به هر حال، روی این حساب، اگر چیزی از اسرار علوم و حقایق جهان آفرینش در آن باشد حتماً برای یک هدف تربیتی و اخلاقی، یا تعلیم درس توحید و خداشناسی آمده‌است، نه به عنوان عرضه کردن علوم طبیعی و مانند آن به سبک یک دائرة المعارف. (مکارم شیرازی، ناصر، قرآن و آخرین پیامبر، ص ۱۴۸)

آیه‌الله مکارم در جای دیگری، پس از طرح دیدگاه‌های مختلف و رد آنها، دیدگاه معتدل را بر می‌گزیند و در رد تفسیر علمی افراطی می‌گوید: این کار اشتباه بزرگی است و نه تنها خدمتی به قرآن محسوب نمی‌شود؛ بلکه مایه بی‌اعتبار نمودن قرآن است. زیرا فرضیات علمی (نه قوانین مسلم آن) پیوسته در حال دگرگونی و تغییر است و تطبیق واقعیت‌های ثابت قرآن بر یک سلسله امور متحوّل و متغیّر و مشکوک یا مظنون، نه منطقی است، نه خدمتی به علم و نه خدمتی به مذهب.

همچنین ایشان در نقد دیدگاه تفریطی می‌نویسند: آنان معتقدند در هیچ مورد حتی در مسلمات علمی هر چند با تعبیرهای صریح قرآن هماهنگ باشد، نباید چنین تطبیقی صورت گیرد؛ ولی این تعصب و جمود نیز دور از منطق و خالی از دلیل است. (مکارم، ناصر، پیام قرآن، ج ۸، ص ۱۵۲)

بدین ترتیب از نظر ایشان راه صحیح، حدّ وسط میان این دو نظریه انحرافی است. ایشان در ادامه علت این گزینش را مطرح می‌کنند. از نظر مفسر تفسیرنمونه، این دیدگاه مطابق نظر صواب است زیرا اگر دلالت آیه‌ای بر قوانین علمی ثابت شده با دلایل قطعی یا مشاهدات مسلم، صریح و روشن باشد؛ هیچ منعی از تطبیق این مسائل بر آیات قرآن وجود ندارد. از سویی این هماهنگی و توافق نشانه عظمت این کتاب آسمانی است و خود جنبه‌ای دیگر از اعجاز آن محسوب می‌شود.

بنابراین هیچ مانعی ندارد که قرآن در بحث‌های توحیدی و خداشناسی و مسائل تربیتی، از روی یک سلسله حقایق علمی که در آن زمان کاملاً ناشناخته بوده به وضوح پرده بردارد، و پیروان خود را در جریان آن بگذارد که علاوه بر نتایج توحیدی و اخلاقی، نشانه‌ای بر حقانیت قرآن، و هم راهگشای علوم و دانش‌ها باشد. (مکارم شیرازی، ناصر، قرآن و آخرین پیامبر، ص ۱۵۳)

۴- معیارهای تفسیر علمی از نظر ایشان

صاحب تفسیر نمونه، برای تفسیر علمی آیات، علاوه بر معیارهای عام تفسیر، معیارهای خاصی نیز مطرح کرده‌اند:

۱. استفاده از علوم طبیعی قطعی و مسلم در تفسیر علمی. مانند قانون جاذبه، زوجیت در عالم گیاهان، حرکت زمین، و حرکت منظومه شمسی و مانند آن، که با دلایل حسی امروز ثابت شده است.

۲. عدم تکلف در تفسیر آیه و واضح و روشن بودن دلالت آیات طبق قواعد ادبی. یعنی آیاتی را در این زمینه برگزینیم که بدون نیاز به تکلف و توجیحات ساختگی، منطبق بر قواعد مسلم علمی امروز باشد؛ یا به تعبیر دیگر دلالت آیات، طبق قواعد ادبی که در استفاده معانی از جمله‌ها و کلمات، رایج است قابل قبول باشد. (مکارم، ناصر، پیام قرآن، ج ۸، ص ۱۴۳)

به عبارت دیگر دلالت ظاهر آیه بر یافته‌های علوم تجربی مورد نظر، روشن باشد و هیچ‌گونه تحمیلی بر آیه صورت نگیرد.

بنابراین، تفسیر علمی براساس استخدام علوم طبیعی در فهم و تفسیر قرآن مجید صورت گیرد؛ نه اینکه مفسر در صدد تلاش همراه با تکلف، برای استخراج علوم مختلف از قرآن باشد.

با توجه به هماهنگی معیارهای دیدگاه معتدل با مبانی قرآنی، عقلی و منطقی، صحت این دیدگاه روشن می‌شود. زیرا با توجه به درستی ضوابط آن، صحت و نزدیکی این تفسیر به واقع محرز می‌گردد. بنابراین می‌توان تفسیر مبتنی بر این رویکرد را، تفسیر آیه دانست، به خلاف تفاسیر افراطی، که مفسر با تکلف، سعی بر تحمیل پدیده‌های طبیعی بر آیات دارد.

آیه الله مکارم علاوه بر انجام تفسیر علمی صحیح و ضابطه‌مند، نسبت به مشخص نمودن تفاسیر افراطی و تبیین تفسیر درست آیات، اهتمام ویژه داشته‌اند. یکی از آن‌ها، آیه ۴۱ سوره مبارکه رعد (فراز « أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا ») است. ظاهر لفظ این آیه، بیانگر اسرار

طبیعت نیست پس تاب تفسیر علمی را ندارد. ولی مفسری، آیه را به صورت تفسیر علمی تبیین کرده است. (حجازی، محمد محمود، ج ۲، ص ۲۴۱)

آیه الله مکارم پس از بیان تفسیر آیه و روایات مربوط با آن، تفسیر افراطی از آیه را از قول مفسران چنین مطرح می‌کنند:

«و اینکه بعضی از مفسران که در علوم طبیعی غرقند، آیه فوق را اشاره به کم شدن زمین از ناحیه قطبین و برآمدگی بیش‌تر از ناحیه استوایی دانسته‌اند آنهم بسیار بعید به نظر می‌رسد، زیرا قرآن در آیه فوق هرگز در مقام بیان چنین چیزی نیست.» (مکارم، ناصر، پیام قرآن، ج ۱۰، ص ۲۵۲)

آیه مورد نظر در ادامه آیات منکران رسالت پیامبر ﷺ نازل شده است. این آیه نیز با هدف هشدار و تنبیه آنان و توجه به اصلاح وضع موجود نازل شده است و مراد از کم شدن اطراف زمین، نابودی و از بین رفتن اقوام و ملت‌های گذشته است. پس سیاق و محتوای آیه، هشدار برای مشرکان عصر پیامبر ﷺ بوده و هیچ ارتباطی با پدیده‌های طبیعی ندارد. بنابراین تفسیر علمی آیه ممنوع است.

۵- نمونه‌هایی از تفسیر علمی با توجه به مبانی ایشان

صاحب تفسیر نمونه در موارد متعددی، با استفاده از علوم طبیعی و قوانین قطعی و مسلم، به تفسیر علمی آیات می‌پردازند. ایشان در برخی موارد برای اثبات اعجاز علمی آیه‌ای، از تفسیر علمی، استفاده کرده‌اند. مانند: آیات بیانگر حرکت زمین به دور خود و خورشید، حرکت جریانی خورشید، حرکت ستارگان، جاذبه زمین، حالت ابتدایی جهان (گاز)، حرکت منظومه شمسی، گسترش جهان و آسمان‌ها، نقش کوه‌ها در آرامش زمین، زوجیت در گیاهان و سایر موجودات، خلقت انسان، رابطه رعد و برق و باران و علت نزول آن، اثرات مهم جو زمین، آثار شگفت‌انگیز سرانگشت انسان‌ها. در برخی از موارد نیز، تنها از تفسیر علمی برای تبیین آیه بهره برده‌اند ولی اعجاز علمی را ثابت نمی‌کنند.

ایشان در آیاتی مانند ۱۳۷ سوره اعراف، ذیل فراز (مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا)، دلالت آن را بر کروی بودن زمین روشن می‌دانند و تفسیر علمی آیه را تبیین می‌کنند. با این وجود، این دسته آیات را، تنها به عنوان یک نکته علمی معرفی می‌کنند نه یک «معجزه علمی» زیرا نظریه کروییت زمین قرن‌ها پیش از ظهور پیامبر ﷺ به عنوان یک نظریه اصولی و مسلم مورد قبول محافل علمی جهان بوده‌است. چرا که پس از ظهور بطلمیوس و فرضیه معروف او درباره افلاک نه گانه و مرکزیت زمین جنبه رسمی به خود گرفت، زیرا او طرفدار کروییت زمین و کروییت افلاک و مرکزیت زمین بود. بنابراین نمی‌توان بر این آیه به عنوان یک «معجزه علمی» که در آن زمان بر دانشمندان بشر کشف نشده بود» تکیه نمائیم. (مکارم شیرازی، ناصر، قرآن و آخرین پیامبر، ص ۱۹۸-۲۰۲)

در ادامه به بیان دو نمونه از موارد اعجاز علمی از نظر آیه‌الله مکارم می‌پردازیم. دو آیه‌ی مورد نظر، برای تبیین مفهوم مورد نظر خود، در قالب مثال مطرح شده‌است و ظاهر لفظ آن بر بیان علوم طبیعی دلالت نمی‌کند ولی آیه‌الله مکارم از آن استفاده علمی نموده و معجزه علمی می‌داند.

۱- «فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ» (انعام/۱۲۵) آن کس را که خدا بخواهد هدایت کند، سینه‌اش را برای (پذیرش) اسلام، گشاده می‌سازد و آن کس را که بخاطر اعمال خلافش بخواهد گمراه سازد، سینه‌اش را آن چنان تنگ می‌کند که گویا می‌خواهد به آسمان بالا برود این گونه خداوند پلیدی را بر افرادی که ایمان نمی‌آورند قرار می‌دهد!

این مفسر گرانقدر شیعی، علت تشبیه این افراد (کسانی که از پذیرش حق سر باز می‌زنند) به شخص صعودکننده به آسمان را، سختی فوق العاده صعود به آسمان می‌داند. از نظر ایشان، پذیرش حق برای آنان به قدری مشکل است که گویا می‌خواهند به سوی آسمان بالا روند.

ایشان افزون بر این نکته، معنی لطیف‌تری از آیه برداشت می‌کنند:

«امروزه ثابت شده که هوای اطراف کره زمین در نقاط مجاور این کره کاملاً فشرده و برای تنفس انسان آماده‌است، اما هر قدر به طرف بالا حرکت کنیم هوا رقیق‌تر و میزان اکسیژن آن کم‌تر

می‌شود به حدی که اگر چند کیلومتر از سطح زمین به طرف بالا (بدون ماسک اکسیژن) حرکت کنیم تنفس کردن برای ما هر لحظه مشکل و مشکل‌تر می‌شود و اگر به پیشروی ادامه دهیم تنگی نفس و کمبود اکسیژن سبب بیهوشی ما می‌گردد، بیان این تشبیه در آن روز که هنوز این واقعیت علمی به ثبوت نرسیده بود در حقیقت از معجزات علمی قرآن محسوب می‌گردد. (مکارم، ناصر، پیام قرآن، ج ۵، ص ۴۳۵)

۲- «الَّذِي جَعَلَ لَكُم مِّنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنتُم مِّنْهُ تُوقَدُونَ؛ همان کسی که برای شما از درخت سبز، آتش آفرید و شما بوسیله آن، آتش می‌افروزید!» (یس/ ۸۰)

شاید این سوال به ذهن برسد که چرا خداوند در آیه تعبیر «شجر اخضر» را بیان فرموده است در حالی که افروختن با چوب تر بسیار مشکل است. چرا خداوند حکیم، تعبیر «شجر یابس» را نفرمود تا با نعمت بودن آتش، سازگاری داشته باشد؟ در تفسیر نمونه آمده است:

«نکته جالب اینجا است که تنها درختان سبزند که می‌توانند عمل کربن‌گیری و ذخیره نور آفتاب را انجام دهند، درختان خشک اگر صدها سال در معرض تابش آفتاب قرار گیرند ذره‌ای به ذخیره انرژی حرارتی آنها افزوده نمی‌شود، تنها موقعی قادر بر این کار مهم هستند که سبز و زنده باشند.

بنابراین فقط «شجر اخضر» است که می‌تواند «آتش‌گیره» (وقود) برای ما بسازد، و گرما و نور را به شکل مرموزی در چوب سرد و مرطوب خود نگاه دارد، اما به محض اینکه خشکیدند عمل کربن‌گیری و ذخیره انرژی آفتاب تعطیل می‌شود. روی این اصل تعبیر فوق، هم ترسیم زیبایی از چهره رستاخیز انرژی‌ها است، و هم یک معجزه علمی جاویدان از قرآن مجید! پس تعبیر «شجر اخضر» مناسب و زیبا است، زیرا چوب‌های درختان سبز هنگامی که با یکدیگر اصطکاک قوی پیدا کنند جرقه بیرون می‌دهند، جرقه‌ای که می‌تواند مبدء آتش افروزی شود، و اینجا است که به عظمت قدرت خدا پی می‌بریم که آتش را در دل آب و آب را در دل آتش حفظ کرده. (مکارم، ناصر، پیام قرآن، ج ۱۸، ص ۴۶۵)

با توجه به علم زیست و شیمی، نکات علمی این دو آیه ثابت می‌شود. پس با کمک علوم طبیعی، این دو آیه به صورت علمی تفسیر می‌شوند. البته این تفسیر با معیارهای صحیح تفسیر علمی صورت پذیرفته‌است. گذشته از قابلیت تفسیر علمی، آیه خود بیانگر نوعی اعجاز علمی نیز می‌باشد زیرا حقایق نهفته‌ای را دربردارد که سال‌ها بشر از درک آن محروم بود و سالیان درازی سپری شد تا بشر به این وقایع علمی دست یافت.

نتیجه

با توجه به آنچه آمد، می‌توان بر موارد زیر به عنوان جمع‌بندی و نتیجه تأکید کرد:

تفسیر علمی یکی از گرایش‌های تفسیری است که به سه شکل قابل تصور است: الف) استخراج علوم از قرآن. ب) تحمیل و تطبیق نظریه‌های علمی بر قرآن. ج) استخدام علوم در فهم و تبیین اشارات علمی آیات قرآن. قسم سوم، صحیح و معتبر است. با توجه به نگاه اعتدالی آیه‌الله مکارم نسبت به تفسیر علمی، ایشان نیز با استفاده از روش اخیر، آیات را تفسیر علمی کرده‌اند. وی برخی آیات مانند؛ آیات بیانگر حرکت زمین به دور خود و خورشید، حرکت جریانی خورشید، حرکت ستارگان، جاذبه زمین، حالت ابتدایی جهان(گاز) و حرکت منظومه شمسی را معجزه علمی قلمداد می‌کنند.

از نظر آیه‌الله مکارم، قرآن کتاب هدایت است. یعنی هدف اصلی نزول آن تربیت بشریت به سوی کمال است. چنانچه در این رهگذر اگر آیه‌ای مرتبط با اسرار و حقایق جهان خلقت باشد، به طور قطع برای یک هدف تربیتی و اخلاقی، یا تعلیم درس توحید و خداشناسی آمده‌است، نه به هدف بیان علوم طبیعی!

آیه‌الله مکارم علاوه بر رعایت ضوابط عام تفسیر برای تفسیر علمی، معیارهای خاصی را مطرح کرده‌اند که عبارتند از: الف- استفاده از علوم طبیعی قطعی و مسلم در تفسیر علمی. ب- عدم تکلف در تفسیر آیه و واضح و روشن بودن دلالت آیات طبق قواعد ادبی.

منابع

- قرآن مجید، ترجمه مکارم شیرازی.
- ابن منظور، محمد بن مکرّم، ۱۴۱۴ ق، لسان العرب، دارصادر، بیروت، چاپ سوم.
- بابایی، علی‌اکبر، ۱۳۸۱، مکاتب تفسیری، سمت / پژوهشکده حوزه و دانشگاه، تهران، چاپ اول.
- حجازی، محمد محمود، ۱۴۱۳ ق، التفسیر الواضح، ج ۲، دارالجیل، بیروت، چاپ دهم.
- ذهبی، بی‌تا، التفسیر و المفسرون، داراحیاء التراث العربی، بیروت.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ ق، المفردات فی غریب القرآن، دارالعلم - الدار الشامیة، دمشق - بیروت، چاپ اول.
- رضایی اصفهانی، محمد علی، ۱۳۸۲ ش، درسنامه روش‌ها و گرایش‌های تفسیری قرآن، مرکز جهانی علوم اسلامی، قم، چاپ اول.
- _____، ۱۳۷۵ ش، درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، اسوه، قم، چاپ اول.
- _____، ۱۳۸۱ ش، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، انتشارات کتاب مبین، رشت، چاپ سوم.
- طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۹۰ ق، المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسه‌ی الأعلمی للمطبوعات، بیروت، چاپ دوم.
- طریحی، فخرالدین، ۱۳۷۵ ش، مجمع البحرین، مرتضوی، تهران، چاپ سوم.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ ق، العین، هجرت، قم، چاپ دوم.
- قرضاوی، یوسف و سلیمی، عبدالعزیز، ۱۳۸۲، قرآن منشور زندگی، احسان، تهران، چاپ اول.
- معرفت، محمد هادی، ۱۴۱۵ ق، التمهید فی علوم القرآن، مؤسسه‌ی النشر الاسلامی، قم، چاپ دوم.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۶ ش، پیام قرآن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ نهم.
- _____، ۱۳۸۵ ش، قرآن و آخرین پیامبر: تجزیه و تحلیل مستدل و گسترده‌ای درباره عظمت و اعجاز قرآن از دریچه‌های گوناگون، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ چهارم.
- _____، ناصر، ۱۳۷۴ ش، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ سی و دوم.